

نگاه منتقد

با یک گل بهار نمی‌شه

رضا درِستکار

■ ژانر کمدی در سینما، حداقل به مفهوم کلاسیک آن به پایان رسیده است؛ همان‌گونه که ژانر وسترن به اتمام رسید. ما دیگر کمدین‌های بزرگ و مشهوری چون باستر کیتون، چاپلین، برادران مازکس، لورل و هاردی و… را در سینما نداریم و اصالت سینمای کمدی به کلی از بین رفته است و جای آن را شوخی‌های جنسی و رفتار هیستریک و کلیشه‌هایی که دیگر نمی‌خندانند، گرفته است. بله، البته گاهی فیلم‌هایی هم در این میان، چون گلی می‌رویندا اما با یک گل، بهار نمی‌شود، درست مثل وسترن که با یک «ناخشوده» کلینت ایستود یا یک «با گرگ‌ها می‌رقصد» کوین کاستنر بهاری در سینمای وسترن رخ نداد.

به نظر سینمای ایران هم از همین قاعده پیروی می‌کند و تازه وضعیت وخیم‌تر هم هست؛ زیرا اول اینکه ما ملت شاد و خندانی نبودیم، دوم باسنت‌های سینمای کمدی بیگانه بودیم و هستیم، سوم کارگردان، نویسنده، بازیگر و کمدین به مفهومی که باید وجود می‌داشت، نداشتیم و نداریم. در گذشته‌های دور یک «بیری» بود و «سپهرنیا، گرشاو متسلاخی» و ترازوی سینمای کمدی ایران و در دهه ۱۳۶۰ و نیمه دهه ۱۳۷۰ هم یک اکبر عبدی و علیرضا خمسه و تمام، نه کمدین‌های ما کمدین بودند، نه نویسندگان و سازندگان ما کمدی‌بنویس و کمدی‌ب ساز و خنده بر لب نشان از آن گذشته کمدی‌ها، نوعی مضحکه و ترازوی سینمای کمدی بودند و در این دو دهه هم، طنز و کنایه اجتماعی به نام و به جای کمدی، سینما و ژانر کمدی نشسته بود و احیاناً هرازگاهی، گلی هم می‌رویندا به هر روی، هیچ‌گاه کمدی به معنا و مفهومی که باید می‌بود، در سینمای ما نبود.

تقریباً از آغاز دهه ۱۳۷۰ و با ورود مهران مدیری و همکاران جوانش به صحنه، تجربیات متفاوتی با عنوان طنز (و نه کمدی) در تلویزیون ایران به وجود آمد و همان هم به سینما تسری یافت. البته می‌توان قبل و بعد از این جریان به نمونه‌های موثقی چون «ای ایران» ناصر تقوایی یا «هرد عوضی» محمدرضا هنرمند اشاره کرد اما تعداد این فیلم‌ها و آثار بارزش به‌قدری محدود بود و هست که بیشتر شامل حکم کلی می‌شود تا… اما امروز آنچه به عنوان سینمای کمدی از



آن یاد می‌شود، همان آثار طنز است که در واقع مضحکه سینمای کمدی است و تا مدتی هم به نظر می‌آمد که چنین فیلم‌هایی یک‌تاز میدان هستند؛ آثاری که با به‌کارگیری الگوهای قدیمی و استحنا پس‌داده و برداشت‌های روز می‌کوشیدند تا داعیه سرگرمی‌سازی بعضی از تهیه‌کنندگان را با عنوان و مفهوم حفظ کیان سینما و خندان مردم در شرایط سخت، عینی و علنی کنند و اتفاقاً چنان ضربهای به بدنه سینمای ما زدند که حالاحالاها بعید است زخم آن التیام یابدا (یا این آثار نازل و بز ن رو، تماشاگران سینمای ما اعتمادشان را از دست داده‌اند و «اعتماد» کلمه‌ای است که جایگزین ندارد!)

به هر حال از اوایل دهه ۱۳۷۰ چند نویسنده، کارگردان و بازیگر طنز از تلویزیون سر برآوردند مثل مهران مدیری، رضا عطاران و دیگران که تفاوت‌هایی در کارشان بود و هنوز هم آنان هستند که جدی‌ترین کارهای حوزه طنز را انجام می‌دهند؛ تاز به اگر همان‌ها را هم با چشم و نگاهی جدی‌تر ببگیریم و رصد کنیم، مشکلات خاص خودشان را دارند؛ غالباً همین طنزی هم که هست به سنت طنزی که مثلاً در شعرهای ما وجود داشت و دارد، به سمت یک نوع انتقاد اجتماعی می‌رود که هم خوب است و هم ایستاست. یعنی موقعیت سینمای، ژانر خودش را ارتقا نمی‌دهد بلکه به سمت گفتار و طنز کلامی صرف می‌رود و خلاص!

گفتم ما به معنای واقعی کلمه، کمدی نداریم که یک بخش‌اش از کم‌سوویی و بی‌فروغی ژانر کمدی در جهان سینماست و یک بخش‌اش هم از پشت صحنه آشفته سینمای ما می‌آید که در حال حاضر توان برنامهریزی روشن و ندارد و همیشه و همواره داشتن برنامه و ارتقای فنی و توسعه فرهنگی را با نسخه‌پیچی و دستورالعمل‌نویسی، خشتی می‌کند و اراده معطوف به کیفیت بخشیدن به هنر و مسایل مرتبط به حوزه‌ای فرهنگی در آن ضعیف است. برای خروج از این شرایط هم باید به سمت یک نظم و برنامه روشن و کارشناسی و دادن میدان عمل به افراد کاران و خبره برویم و تا اطلاع ثانوی در ارتقای فنی و کیفی سینما و سالن‌های سینما کوشا باشیم تا ببینیم چه می‌شود؛ راستش باید گفت که مشکلات ما در حوزه سینما یکی، دو تا نیست…

■ مانی حقیقی در فیلمی کمدی بازی کرده است. این انتخاب با سابقه‌ای که او دارد، یک پارادوکس ایجاد می‌کند. شما مترجم کتاب‌های فلسفی، بازیگر فیلم جدی «درباره الی…» و کارگردان چهار فیلم متفاوت هستید. حالا در فیلمی از رامبد جوان بازی کرده‌اید. چطور اینها در کنار هم جمع می‌شود؟

به راحتی! من از قبل با فیلمنامه «ورود آقایان ممنوع» آشنا بودم، چون در مقطعی قرار بود خودم این فیلم را بسازم. اول مرضیه برومند قرار بود فیلم را بسازد و بعد از انصراف ایشان پیمان قاسم‌خانی پیشنهاد ساخت فیلم را به من داد. مذاکراتی هم کردیم ولی به نتیجه نرسیدیم. بعدها ظاهر پیمان قاسم‌خانی و رامبد جوان در همفکری‌هایی که با هم داشتند، نمی‌دانم به چه شکل و چرا، به این نتیجه رسیدند که من باید نقش دکتر را بازی کنم. رامبد با من تماس گرفت و پیشنهاد بازی در این فیلم را مطرح کرد. من هم بلافاصله پذیرفتم.

■ در نقش چه چیزی ایفتدر جذاب بود که بلافاصله قبول کردید؟

ملاک من برای پذیرفتن یک نقش در مرحله اول فیلمنامه است. «ورود آقایان ممنوع» فیلمنامه خیلی خوبی داشت، در مرحله بعد کارگردان است که من رامبد را خیلی دوست دارم و قبولش دارم.

■ خودش با سینمایش را؟

من هنوز دو فیلم قبلی‌اش را ندیده‌ام. اما با خودش از نزدیک آشنا بودم و همین کافی بود تا بدانم آدمی حساسی و جدی است. کسی است که حرفش را می‌فهمم و می‌توانم با او ارتباط برقرار کنم و این نکته مهم و بسیار کمیابی است. رامبد آدم فوق‌العاده مهربان و خوش قلبی است و این خصیصه در کارش هم تاثیر زیادی می‌گذارد.

■ بعضی‌ها می‌گویند دون ژوان سینمای ایران را بازی کرده‌اید.

بازمه بود دیگر. براسم خیلی جالب بود که نقش در نهایت چطور از آب در می‌آید بعد که ویشکا آسایش هم به گروه اضافه شد معلوم شد که رامبد تصمیم گرفته واقعا به سمت انتخاب‌های عجیب و غریب برای این فیلم برسد و این علاقه من را به کار بیشتر کرد. دیدم با آدم جسور و شجاعی طرفم و باید برایش حساسی مایه بنگارم.

■ اما این انتخاب‌ها به هر حال پارادوکس است.

پارادوکس که نیست، صرفاً غیرمنتظره است. خوبی‌اش همین است. فیلم باید با انتخاب‌هایش غافلگیرتان کند، به خصوص فیلم کمدی که ساختنش به مراتب دشوارتر از درام‌های اجتماعی است. من اساساً به این دلیل تصمیم گرفتم بازی کنم چون فکر کردم تجربه بازیگری می‌تواند برایم درس کارگردانی باشد. یعنی می‌توانم جریان ساخت فیلم را از منظر بازیگر ببینم و بعد از این تجربه برای هدایت بازیگرهای خودم استفاده کنم. از طرف دیگر هم چالش فیلم کمدی براسم جذاب بود، چون خندانن مردم واقعا کار دشواری است، آن هم در این شرایط. بازی در فیلم کمدی هم به مراتب دشوارتر است.

■ چرا فکر می‌کنید شخصیت شما در «ورود آقایان ممنوع» باورپذیر بود.

این بیشتر از هر چیزی به فیلمنامه خوب برمی‌گردد. وگرنه اینکه یک دکتر زنان، که به قول شما دون ژوان کارکنشهای هم هست، جذب مدیر بدعق و روانی مدرسه دخترش بشود، به خودی خود، باورپذیر نیست. این نکته در پیچ و خم یک فیلمنامه خوب باورپذیر شده. وقتی شخصیت خود را باورپذیر شده باشد، کار بازیگر هم برای اجرا طبعاً آسان‌تر می‌شود.

■ شما شخص خاصی را برای پرداخت نقش در ذهن‌تان داشتید؛ چون به هر حال این شخصیتی است که در سینمای قبل از انقلاب ما هم بی‌سابقه نیست.

نه الگویی در نظر نداشتم. نگرانی اصلی من این بود که معمولاً این شخصیت‌ها، شخصیت‌های ضد زن و منحصری از آب می‌آیند و امکان دارد رفتاری زشت یا کلیشه‌ای داشته باشند. تلاش من این بود که این اتفاق نیفتد. حتی در چند مورد هم با پیمان و رامبد بحث داشتیم که بعضی از وضعیت‌های فیلم را تغییر بدھیم تا این دکتر به یک آدم امین و ضد زن تبدیل نشود. مثلاً در پایان فیلم، جایی که مشغول تعقیب مبینی‌پوس بچه‌ها هستیم، سکانسی هست که دکتر با خانم دارایی دعوایش می‌شود. خانم دارایی می‌پرسد: «شما قبول ندارید که حقوق زن‌ها در این مملکت پایمال شده؟» و پیمان در فیلمنامه نوشته بود که من پاسخ بدهم: «اصلاً این حقوق مردهاست که پایمال شده!» این به نظر من کاملاً دور از واقعیت بود. یک نگاه کوتاه به اطرافمان به سرعت این را ثابت می‌کرد. من سر صحنه به رامبد گفتم این دیالوگ مستخره ما حق باورپذیر نیست. چون کاملاً بدیهی است که در جامعه ما حقوق زنان پایمال شده. اگر من ببایم و این را صددرصد کتمان کنم، هم دروغ گفتم‌ام و هم آن هذات‌پنداری که در طول فیلم بین شخصیت دکتر و تماشاگر به وجود آمده، می‌شکند و از بین می‌رود. با رامبد زنگ زدیم به پیمان قاسم‌خانی و بعد از یک مجادله طولانی و خیلی بازمه بالاخره قرار شد که من بگویم «معمولاً که حقوق زن‌ها پایمال شده، اما من دیگه اونقدر که شما می‌گی.» یعنی در واقع افراطی نگاه کردن به قضیه را زیر سوال می‌برد. من اصل قضیه را این برای من مهم بود و انعطاف پیمان و رامبد هم حاکی از نگاه درست و منصفانه آنها بود. من فکر می‌کنم بخشی از محبوبیت فیلم نزد تماشاگرها هم زاییده همین نگاه درست رامبد و پیمان است.

■ شاید آن جمله را برای این گذاشته بودند که با افراطی

سینمای ایران



عکس: کورنی

دو خواننده «گلستان» و «حقیقی» که تأثیری بزرگ بر سینمای ایران گذاشته‌اند، پشتوانه «مانی حقیقی» هستند. هرچند او بدون نیاز به این دو نام خیلی سریع توانست جایگاه خود را محکم کند، به مدد دانسته‌ها و تحصیلاتش. کتاب‌های فلسفی‌ای ترجمه کرده است. از اولین فیلمش «آبادان» که کارگردانی کرده حدود ۱۰سال می‌گذرد؛ فیلمی که توقیفی شد و فیلم دیگرش «کارگران مشغول کارند» فقط در جشنواره به نمایش در آمد. همکاری‌اش با «اصغر فرهادی» در فیلم‌های «چهارشنبه‌سوری» و بعد «درباره

دو خواننده «گلستان» و «حقیقی» که تأثیری بزرگ بر سینمای ایران گذاشته‌اند، پشتوانه «مانی حقیقی» هستند. هرچند او بدون نیاز به این دو نام خیلی سریع توانست جایگاه خود را محکم کند، به مدد دانسته‌ها و تحصیلاتش. کتاب‌های فلسفی‌ای ترجمه کرده است. از اولین فیلمش «آبادان» که کارگردانی کرده حدود ۱۰سال می‌گذرد؛ فیلمی که توقیفی شد و فیلم دیگرش «کارگران مشغول کارند» فقط در جشنواره به نمایش در آمد. همکاری‌اش با «اصغر فرهادی» در فیلم‌های «چهارشنبه‌سوری» و بعد «درباره

کردن شخصیت، میزان کمدی هم بالا برود.

شاید، ولی من فکر می‌کردم اگر شخصیت منصف و معقول باشد و در عین حال این تپیی هم باشد، بازه‌تر و دوست‌داشتنی‌تر از آب در می‌آید. این فیلم از آن کمدی‌هایی بود که قرار بود در آن همه آدم‌ها دوست‌داشتنی باشند، حتی آدمی مثل خانم دارایی.

■ یعنی روی این وجه قبلاً صحبت کرده بودید؟

بله، همه ما اصراً داشتیم که فیلم «آدم بد» نداشته باشیم. قرار بود همه در وضعیت پیچیده‌ای نسبت به یکدیگر قرار بگیرند. همین است که درام را جذاب‌تر می‌کند. این شخصیت می‌توانست به یک آدم ضد زن سطحی تقلیل پیدا کند.

■ این به خاطر میزبزی بود یا به‌خاطر طرز فکر و نگرش عوامل فیلم؟

نه، اصلاً ربطی به ممیزی نداشت. شخصیت دکتر به راحتی می‌توانست بعضی از این شوخی‌های رایج زن‌ستیز را سر هم کند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ در سینما یک مشت مرد متحجر براسم دست می‌زدند و زن‌ها هم نفرت‌زده و دلخور می‌شدند. ولی الان، برعکس، همه می‌خندند. در واقع یک نگاه معتدل و معقول است که در مقابل افراطی‌گری‌های خانم مردم مرد می‌خندان. این اعتدال در شخصیت رضا عطاران هم جاری است. او هم آدم معقول و معتدلی است و اعتدال مصعومانه‌اش موجب می‌شود که تندروی‌های مدیر مسخره به نظر برسد.

■ شما زمانی‌که بنا بود خودتان کارگردانی کنید، نقشی هم می‌خواستیدبازی کنید؟

نه. بنا بود صرفاً کارگردان کار باشم.

■ مگر شما به سینمای کمدی وفاترزی علاقه‌مندید؟

من اساساً به سینما علاقه‌مندم، به همه وجوهش.

■ یعنی نوعش فرقی نمی‌کند؟

نه، واقعا فرقی نمی‌کند. سعی می‌کنم خودم را در یک ژانر یا لحن خاص محصور نکنم. منظورم این نیست که این نگرش من، تنها نگرش درست است. این صرفاً مدل من است. حتی ممکن است روزی تصمیم بگیرم یک فیلم علمی–تخیلی بسازم. بستگی دارد به طرحی که ب‌ذهنم می‌رسد.

■ پس طرفدار تجربه کردن هستید.

نمی‌دانم. من اینطور می‌هستم. ممکن است قصه‌ای به ذهنم برسد که در قالب طنز جواب بدهد، می‌روم طنز می‌سازم، یا هر چیز دیگری.

■ یعنی ذهن‌تان را خط‌کشی نمی‌کنید.

فکر می‌کنم آدم می‌تواند خیلی زود خودش را تکرار کند و از اینکه مدام یک جور فیلم بسازم، کسل می‌شوم. می‌گویند فلاّی «فیلمساز مولف» است؛ این برای من هیچ جذابیتی ندارد. من دوست دارم وقتی مخاطب می‌آید فیلمم را ببیند، هیچ تصویری



رامبد جوان

فیلمنامه «ورود آقایان ممنوع» سال‌ها پیش نوشته شده بود و یک دوره‌ای قرار بود خانم برومند آن را به تهیه‌کنندگی آقای محمدی بسازد و یک دوره‌ای هم پیشنهاد کارگردانی ورود آقایان ممنوع را به مانی حقیقی داده بودند و مانی در جریان این فیلمنامه بود. در نهایت کارگردانی این فیلم را من برعهده گرفتم. در ابتدا قرار بود، از فیلمنامه پیشنهادهایی که در خدمت نگاه کارگردا در فضایی که فیلمنامه برایشان باز کرده می‌دهند و به قول معروف فضاهای جدیدی را برای فیلم باز می‌کنند. در این کار هم بچه‌ها پیشنهادهای خیلی خوبی دادند، رضا عطاران، ویشکا آسایش، پگا، بهاره و… پیشنهادهای مانی حقیقی هم در این فیلم چه راجع به بازی خودش، دیالوگ‌ها و… بسیار خوب بود. مانی حقیقی بسیار خوش‌اخلاق، حواس‌جمع، باهوش و سرزنده است و همیشه با علاقه سر صحنه حاضر بود و به همه انرژی مثبت می‌داد. به نظر من مانی انقدر باهوش است که از پس همه کارها برمی‌آید از آن دسته آدم‌هایی است که دست به هر کاری که بزند موفق می‌شود از بازیگری گرفته تا تأسیس کارخانه هواپیماسازی.

کنم، که در «کنعان» این اتفاق افتاد. ■ در «کنعان» به نوعی کارگردان حضورش را مدام به ما اعلام می‌کند.

درست است اما این در واقع همیشه هست. سینماست دیگر، یک تصویر به یک تصویر دیگر قطع می‌شود و کنار هم قرار گرفتن این دو، حسی را تداعی می‌کند. اصل ماجرا همین است و این دایم دیده می‌شود. اگر کسی با سینما آشنا باشد به هر حال کارگردان را می‌بیند. چیز عجیبی نیست که کارگردان حضورش را اعلام کند. به هر حال، تفاوت سبک کارگردانی «کارگردان مشغول کارند» و «کنعان» برای من جزو لذت‌های کار بود. باورتان نمی‌شود که یک کارگردان هفت این فیلم‌ها را ساخته باشد و طبعاً همین‌طور که آدم پیش می‌رود این کار سخت‌تر می‌شود. چون آدم که نمی‌تواند صد جور فیلم بسازد، اینکه هر بار ببانی یک فیلم دیگر و از هر نظر متفاوت بسازی، رفته‌رفته بی‌تابی و جالب‌تر می‌شود.

■ من فکر می‌کردم بازی کردن این نقش در «ورود آقایان ممنوع» برای مانی حقیقی خیلی آسان تر است تا نقشی که در «درباره الی…» بازی کرده است.

نه، برای من اینطور نبود. هر کدام سختی خودش را داشت. دشواری کار در «درباره الی…» نوع دیگری بود. فضای تولید فیلم تلخ و عبوس بود، خود فیلم هم تلخ بود و من هم داشتم نقش تلخ‌ترین آدم فیلم را بازی می‌کردم. مجموعه اینها روی من خیلی تاثیر بدی گذاشت و هنوز هم اثرش از بین نرفته. نمی‌توانم بگویم از بازی در آن فیلم پشیمانم، ولی خود فیلم و حواسی متعدد پیرامون ساختنش من را به شدت ناراحت کرد. آن روزها، روزهای خوشی برای من نبود. با این حال، بازی در آن فیلم کار پیچیده‌ای نبود چون، همان‌طور که گفتم، آدم با یک وضعیت واقعی طرف بود. واکنش آدم‌ها به اتفاقات، متعارف و معقول بود و من می‌دانستم باید چه کار کنم. ولی بازی در «آسمان محبوب» مهرجویی و «ورود آقایان…» ماجرای دیگری بود. اینجا لازم بود که آدم برای خودش چهایی بسازد که در آن، کارهای عجیبی که جمله می‌گویم، باید اضافه کنم که داشته باشند. این کار سخت‌تر بود، هرچند که فضای تولید این دو فیلم به مراتب لذت‌بخش‌تر و کم‌تشن‌تر بودند. ولی حالا که دارم از سختی‌های بازیگری می‌گویم، باید اضافه کنم که سخت‌تر از همه اینها، کارم در فیلم جدید خدوم بود، «بذیاری ساده»، چون اینجا هم ماجراها عجیب و غریب بودند و من هم بازی می‌کردم و هم کارگردان.

■ چرا؟ بازیگر مناسب پیدا نکردید؟

نه. می‌خواستم با بازیگری کار کنم که درگیر پروژه دیگری بود. از افراد زیادی هم تست گرفتیم اما هیچ‌کس به‌نظر مناسب نقش نمی‌آمد.

■ سن و سال‌شان باید مشابه شما می‌بود؟

نه، به‌خاطر ویژگی‌هایی بود که آن شخصیت خاص باید می‌داشت.

■ شما فکر کردید چون به آن شخصیت اشراف دارید، می‌توانید نقش را بهتر در بیاورید؟

بله. خوب می‌دانستم آن شخصیت باید چگونه باشد.

■ فیلم «ورود آقایان ممنوع» حاشیه‌هایی هم داشت. خانم حکمت در یادداشتی گفتند رامبد جوان این فیلم را ناساخته است.

خانم حکمت اشتباه کردند. خوشبختانه وقتی نامه خانم حکمت منتشر شد من در کردستان مشغول فیلمبرداری «بذیاری ساده» بودم، وگرنه ناچار می‌شدم همان وقت جواب ایشان را بدهم. رامبد هم واقعا آقایایی کرد که سکوت کرد و جواب نشان داد. اینجا فقط یک جمله می‌گویم که منبزه حکمت باید افتخار کند که رامبد جوان با او کار کرده است. البته حالا که فیلم موفق شده و خوب فروخته، همه دارند وانمود می‌کنند که آن یادداشت هرگز نوشته نشده. من هم الان سوالم از شما این است: یادداشت؟ کدام یادداشت؟

■ هیچ وقت فکر می‌کردید با رضا عطاران و ویشکا آسایش فیلم‌سازی کنید؟

نه، راستش. آنها را از نزدیک نمی‌شناختم و این جذاب بود که رامبد آمد و آدم‌هایی را که ظاهراً هیچ سختی‌با هم نداشتند، در یک فضای گرم و دوست‌داشتنی در کنار هم قرار داد. رامبد در زمینه مدیریت فضای فیلمبرداری بی‌نظیر است. یعنی یک کارهایی بلد است انجام دهد که همه را آرام و خوشحال و راضی نگه می‌دارد. بین همه کارگردان‌هایی که می‌شناسم او این بابت سر است.

آینه‌های روبه‌رو

فیلم کمدی باید موقعیت خنده ایجاد کند

آنتونیا شرکا

منتقد



■ فکر می‌کنم فیلم‌های کمدی در وهله اول بیشتر از اینکه لودگی و جذابیت سطحی داشته باشند، باید موقعیت خنده ایجاد کنند. به نوعی چارچوب‌های منطقی سرچای خود باشند ولی به هم ریخته یعنی فیلم منطقی باشد نه اینکه عجیب و غریب و بتواند کنش‌هایی ایجاد کند که خنده را به لب تماشاگر بیاورد. فیلم کمدی نباید مضحکه باشد. عوامل ساخت یک فیلم کمدی باید این درایت را داشته باشند که به راحت‌ترین راه‌حل‌ها برای خندانن چنگ نیندازند و به فکر این باشند وضعیت و بافتی را در درام موجود سینمای کمدی به وجود بیاورند که منجر به خنده شود. از نمونه فیلم‌های خوب کمدی که این روزها روی پرده سینماهاست، می‌توان به «ورود آقایان ممنوع» اشاره کرد. این فیلم واجد ویژگی‌هایی است که ذکر کردیم، در عین حال که تپید در این فیلم وجود دارد مثل رضا عطاران ولی فیلمنامه درست است. با اینکه این تپ‌ها ویژگی عمیقی ندارند ولی در موقعیت‌هایی هستند که ایجاد خنده می‌کنند. یکی از این موقعیت‌ها، صحنه‌ای است که بازیگران با یک اردو می‌روند و والیبال بازی می‌کنند. شرایط فیلمنامه شخصیت‌ها را به سمتی می‌کشاند که



موقعیت فیلم خنده‌دار باشد. ببینند با شناختی که از شخصیت‌های فیلم دارم، می‌بینند آنها در یک وضعیت عجیب قرار گرفته‌اند و در نهایت به چنین موقعیتی می‌خندند. معمولاً در درک موقعیت کمدی، شخصیت‌ها نقشی ندارند. می‌توان در ابتدای فیلم یک‌سری اطلاعات اولیه ارایه کرد و بعد روی آنها مانور داد، بدون اینکه به پیچیدگی رسید. اینها مولفه‌های ساده‌ای هستند که در صورت به‌کارگیری می‌توانند در ساختن شدن یک کمدی خوب موثر باشند.

کاغذ بی‌خط

باید تعریفی از خندانن داشته باشیم

علی علایی

■ داشتن ساختار در یک فیلمنامه خیلی مهم است. بنظر من ساختار در هر نوع فیلمی مقدم‌تر از همه اصول دیگر مثل شخصیت پردازی، دیالوگ نویسی و… است. این درحالی است که ساختار یکی از نقطه ضعف‌های فیلمنامه‌های ما شده است. باید تأکید کنم منظور من ساختار فیلمنامه است نه فیلم. اول باید این جنبه درست باشد تا بتوان انتظار فیلم خوب داشت. در حالی‌که فرقی نمی‌کند این ساختار برای فیلم ملودرام، پلیسی، کمدی و… استفاده می‌شود. اگر بخواهیم فیلم‌های کمدی را بررسی کنیم، باید بگویم متأسفانه هنوز شناخت صحیحی از کمدی در جامعه ما شکل نگرفته است. دلایل مدیریتی و نگاه محدود سینماگران به این موضوع باعث شده، کمدی‌های ضعیفی در سال‌های اخیر تولید شوند. باید تعریفی از خندانن داشته باشیم در توضیح این مطلب می‌توان گفت گاهی شما یک نفر را قلقلک می‌دهید که باعث خنده او می‌شود اما چنین خنده‌ای لزوماً کمدی نیست. بنابراین تمایز در اصول خندانن باید مشخص شود. هر عملی که منجر به خندانن شود، کمدی نیست. برخی از فیلم‌های کمدی سال‌های اخیر را می‌توانیم به همان قلقلک تشبیه کنیم. این نوع کمدی‌ها با نوعی از کمدی که در تاریخ سینمای مطرح شده‌اند، فاصله دارند. خیلی از فیلم‌های کمدی چند سال اخیر این‌گونه تولید شده‌اند. یکی از فیلم‌های خوب کمدی این روزها «ورود آقایان ممنوع» است. این فیلم نمونه خوبی از کمدی است که صرفاً شما را قلقلک نمی‌دهد. «ورود آقایان ممنوع» با متنی دقیق و فیلمنامه‌ای واجد ساختار یک فیلمنامه حرفه‌ای و با شخصیت پردازی مبتنی بر اتفاقات به پیش می‌رود که با ارایه شوخی‌هایی به اندازه مناسب، فیلم‌های کمدی اخیر را که با شوخی‌های جنسی مخاطب را دلزده کرده‌اند، شرمند می‌کند. کارگردانی رامبد جوان پس از فیلم «پسر آدم، دختر حوا» در اجرای ضربه‌نگ یک کار کمدی موقعیت و کتان، نمونه‌ای قابل بحث و مثال زدنی است. بسازی بازیگران که مبتنی بر شخصیت پردازی خوب اثر شکل گرفته با هدایت بازیگرانی چون رامبد جوان از سقف کارهای قبلی این مجموعه از بازیگران فراتر می‌رود و فیلم را به‌اثر درخ‌ر توپچی در میان فیلم‌های سینمای نازل کمدی این روزها تبدیل می‌کند و به ژانر با سابقه کمدی در ایران آبرو می‌دهد.